وزارت علوم، تحقیقات و فناوری
پژوهشگاه مطالعات امنیت و پیشرفت
I.S.D.S

بررسی ابعاد داخلی توافق دولت لبنان با رژیم صهیونیستی

ابرارنگار
مرداد ماه
۱۴۰۵

پژوهشگاه مطالعات امنیت و پیشرفت
پژوهشکده ابرار معاصر تهران



بررسی ابعاد داخلی توافق دولت لبنان با رژیم صهیونیستی

ابرارنگار

پژوهشگاه مطالعات امنیت و پیشرفت
پژوهشکده مطالعات و تحقیقات بین‌المللی ابرار معاصر تهران
۱۴۰۵

بررسی ابعاد داخلی توافق دولت لبنان با رژیم صهیونیستی

نویسنده: سعید پیرمحمدی

تدوین و انتشار: پژوهشکده مطالعات و تحقیقات بین‌المللی ابرار معاصر تهران

تاریخ انتشار: مرداد ۱۴۰۵

تلفن و دورنگار: ۸۸۹۰۱۹۵۷-۸۸۹۱۷۹۴۴

نشانی اینترنت: www.tisri.org

تیراژ: محدود

خلاصه مدیریتی

- در داخل لبنان، عمدتاً دو دیدگاه کلی نسبت به توافق چارچوب واشینگتن وجود دارد. منتقدان معتقدند که این توافق‌نامه، تضمین‌های کافی برای حاکمیت لبنان ارائه نمی‌دهد و حتی ممکن است ترتیبات امنیتی موقت را به واقعیتی پایدار در میدان تبدیل کند. آنها معتقدند که تغییر در این وضعیت مستلزم بازگشت به نوعی چارچوب مذاکراتی متعادل و متوازن است. بیت شیعی (حزب‌الله و امل)، دروزی‌ها، جریان ملی آزاد، فؤاد سینیوره، انجمن علمای مسلمان لبنان، جبهه عمل اسلامی، انجمن علمای بیروت، حزب دموکرات و حزب کمونیست لبنان مخالفت خود را با متن توافق اعلام کرده‌اند.

- در مقابل، طرفداران توافق آن را چارچوبی عملی می‌دانند که زمینه‌های لازم را برای عقب‌نشینی رژیم صهیونیستی و احیای حاکمیت سرزمینی لبنان فراهم می‌کند. احزابی چون قوات لبنانی و کتائب از توافق به‌عنوان یک «پیروزی بزرگ و تاریخی برای لبنان» حمایت کرده‌اند. از این منظر، هدف اصلی توافق، توقف جنگ و جلوگیری از رویارویی جدید است و سایر مسائل در دورهای بعدی مذاکرات مورد بررسی قرار می‌گیرند.

- آینده این توافق‌نامه صرفاً با متن یا سازوکارهای نظارتی آن تعیین نخواهد شد، بلکه با توانایی آن در انطباق با واقعیت‌های سیاسی لبنان تعیین می‌شود. در صورتیکه این توافق صرفاً تعهداتی را تحمیل کند که فراتر از ظرفیت اجرایی

نهادهای لبنانی باشد، به منبع دیگری برای تنش داخلی تبدیل شده و به بحرانی بی‌پایان دامن خواهد زد اما اگر با فرآیند سیاسی تدریجی همراه شده و به نگرانی‌های طرف‌های داخلی و منطقه‌ای توجه داشته باشد، می‌تواند نقطه شروعی برای بازطراحی معادلات باشد. فضای داخلی لبنان و رفتار راهبردی آمریکا و رژیم صهیونیستی به گونه‌ای است که با فرض نخست قرابت بیشتری دارد.

مقدمه

در ۲۶ ژوئن ۲۰۲۶، دولت ترامپ از «توافقنامه چارچوب»[1] بین لبنان و رژیم صهیونیستی رونمایی کرد. این توافق پس از پنج دور مذاکرات مستقیم با میانجی‌گری مارکو روبیو حاصل شد. انتشار متن ۱۴ ماده‌ای توافق با واکنش‌های متعددی در عرصه داخلی لبنان و همچنین صحنه منطقه‌ای و بین‌المللی همراه شده است. در بعد داخلی، اختلافات شدیدی بین نیروهای سیاسی در رابطه با امکان‌سنجی و پیامدهای این توافق برای حاکمیت و تمامیت ارضی لبنان و نقش این کشور در ترتیبات منطقه‌ای شکل گرفته است. گزارش حاضر تلاش دارد ابعاد و زوایای داخلی این توافق را مورد بررسی تحلیلی قرار دهد. در این راستا در گام نخست، متن و فرامتن توافق بررسی و سپس صف‌بندی‌های داخلی پیرامون توافق ارائه می‌شود. در نهایت، پیامدهای احتمالی چنین تحولاتی برای حزب‌الله تبیین و چشم‌انداز پیش‌رو ارائه می‌گردد.

---

۱. اتفاق إطاری

۱. مرور متن و فرامتن توافق

توافق‌نامه از نظر محتوا، زبان و لحن، از تمامی ترتیبات و توافق‌نامه‌های قبلی لبنان و رژیم صهیونیستی از جمله توافق‌نامه آتش‌بس ۱۹۴۹، توافق‌نامه ۱۷ مه ۱۹۸۳، قطعنامه ۱۷۰۱ شورای امنیت سازمان ملل پس از جنگ ۳۳ روزه و حتی توافق‌نامه نوامبر ۲۰۲۴ پس از جنگ ۶۶ روزه متمایز است. شناخت ابعاد این تمایز مستلزم واکاوی متن و فرامتن توافق است:

۱-۱. مشروط نمودن حاکمیت و بازسازی لبنان به خلع سلاح حزب‌الله

این توافق‌نامه ۱۴ ماده‌ای بر این اصل اساسی استوار شده که هرگونه عقب‌نشینی رژیم صهیونیستی از جنوب لبنان منوط به خلع سلاح حزب‌الله است. تدابیر لازم بدین منظور توسط دولت لبنان «مدیریت»، توسط ایالات متحده «نظارت» و توسط رژیم صهیونیستی «تأیید» خواهند شد. مقوله بازسازی نیز به‌نوعی به بازسازی دستگاه امنیتی لبنان و انجام اصلاحات موردنظر آمریکا و رژیم صهیونیستی گره خورده است. در این ارتباط، حمایت بین‌المللی به‌ویژه از سوی ایالات متحده منوط به پیشرفت محسوس در زمینه‌های گسترش اقتدار دولت، خلع سلاح گروه‌های مسلح غیردولتی و جلوگیری از تأمین مالی یا استفاده چنین گروه‌هایی از بودجه‌های بازسازی است. به‌علاوه متن توافق، مفهوم حاکمیت لبنان را بازتعریف کرده است. در گفتمان سیاسی لبنان، از زمان توافق طائف، حاکمیت ملی به‌نوعی با خاتمه دادن به اشغالگری رژیم پیوند خورده است در حالی‌که توافق جدید، حاکمیت لبنان را به خلع سلاح حزب‌الله پیوند می‌زند (المرکز العربی للأبحاث ودراسة السیاسات، ۲۰۲۶: ۷).

۱-۲. تبدیل جنوب لبنان به منطقه امنیتی تحت کنترل رژیم صهیونیستی

توافق مذکور چارچوبی ایجاد می‌کند که به رژیم صهیونیستی اجازه می‌دهد به

حضور نامحدود نظامی خود در جنوب لبنان ادامه دهد. در واقع، توافق مذکور به حضور عملیاتی در منطقه حائل و عمق هشت تا ده کیلومتری خاک لبنان مبنای قانونی بخشیده است. بدین جهت مقامات رژیم صهیونیستی از جمله یسرائیل کاتس از حضور طولانی‌مدت در خاک لبنان تا زمان خلع سلاح کامل حزب‌الله سخن می‌گویند. از این منظر، توافق مذکور علاوه بر آنکه دستاوردهای میدانی رژیم صهیونیستی را به اهرم‌های فشار سیاسی تبدیل می‌کند، بستر مناسبی را نیز برای تغییر ترتیبات نظامی و امنیتی در جنوب لبنان فراهم می‌کند.

۳-۱. احاله مسئولیت خلع سلاح حزب‌الله به ارتش لبنان

بر مبنای این توافق، نقش ارتش لبنان به نیروی حائل بین طرفین درگیر محدود نخواهد بود و به‌عنوان نهادی در نظر گرفته می‌شود که در پرونده حساس خلع سلاح حزب‌الله نقش مستقیم خواهد داشت. متن توافق‌نامه، چارچوبی مرحله‌ای را برای ارتش لبنان تعیین می‌کند تا از طریق استقرار تدریجی در مناطق آزمایشی چنین نقشی را ایفا کند. این امر باید همزمان با خلع سلاح و برچیدن ساختارهای نظامی حزب‌الله انجام شود. افسران نظامی آمریکایی نیز در همکاری با ارتش لبنان با هدف تأیید عاری‌سازی مناطق از هرگونه حضور حزب‌الله مشارکت خواهند داشت (الجزیرة، ۲۶ یونیو ۲۰۲۶).

۴-۱. عدم تعادل آشکار تعهدات طرفین توافق

بررسی بندهای توافق، عدم تعادل آشکاری را بین تعهدات طرفین برجسته می‌سازد. طرف لبنانی موظف است تمامی گروه‌های مسلح غیردولتی را خلع سلاح کند، زیرساخت‌های نظامی آنها را برچیند، از تأمین مالی آنها جلوگیری کند، مرزها را کنترل کند، دستگاه امنیتی خود را بازسازی و سازوکارهای نظارتی ایجاد کند. در مقابل، تعهدات مشابهی به رژیم صهیونیستی تحمیل

نشده و در عمل، «استقرار مجدد» نیروهای ارتش این رژیم به تأیید اجرای تعهدات لبنان مشروط گردیده است. بنابراین، عقب‌نشینی رژیم نه یک تعهد قانونی مستقل بلکه نتیجه تبعی اجرای تعهدات لبنان خواهد بود. رژیم صهیونیستی با استناد به این بند می‌تواند مانع از اجرای توافق شود و به اشغالگری خود تا زمان تحقق شرط لازم یعنی خلع سلاح حزب‌الله ادامه دهد (المرکز العربی للأبحاث ودراسة السیاسات، ۲۰۲۶: ۶-۵).

۵-۱. جداسازی پرونده لبنان از توافق با ایران

چارچوب توافق به‌نوعی برآیند تلاش آمریکا و رژیم صهیونیستی برای جداسازی پرونده لبنان از دستورکار مذاکراتی با ایران است. در حالی که بند اول تفاهم اسلام‌آباد بر پایان فوری عملیات نظامی در تمامی جبهه‌ها تصریح دارد، رژیم صهیونیستی حملات خود را به جنوب لبنان ادامه داده و مترصد برقراری معادله حومه جنوبی بیروت در مقابل شهرک‌های شمالی است. علاوه بر این، مذاکرات واشینگتن به‌عنوان یک روند سیاسی موازی آغاز گردید که به‌طور خاص جداسازی عرصه‌های درگیری ایران و لبنان از یکدیگر را پیگیری کرد. اراده طرف آمریکایی بر این است که مفاد تفاهم اسلام‌آباد را به چارچوبی حقوقی برای متعهدسازی تهران به عدم حمایت از بازیگران مقاومت تبدیل کند و از طریق توافق واشینگتن نیز از حزب‌الله مشروعیت‌زدایی کرده و حکومت لبنان را به اجرای پروژه خلع سلاح در تمام خاک لبنان متعهد سازد؛ از این منظر، توافق اسلام‌آباد و توافق واشینگتن دو لبه قیچی تحدید نفوذ منطقه‌ای ایران به شمار می‌روند.

۲. صف‌بندی‌های داخلی لبنان پیرامون توافق

در داخل لبنان، عمدتاً دو دیدگاه کلی نسبت به توافق وجود دارد. منتقدان

معتقدند که این توافق‌نامه تضمین‌های کافی برای حاکمیت لبنان ارائه نمی‌دهد و حتی ممکن است ترتیبات امنیتی موقت را به نوعی واقعیت پایدار تبدیل کند. آنها معتقدند که تغییر در این وضعیت مستلزم بازگشت به نوعی چارچوب مذاکراتی متعادل مبتنی بر حقوق بین‌الملل و قطعنامه‌های مربوطه سازمان ملل است. نقدهای وارده محدود به سازوکارهای اجرایی نیست، بلکه به اصل توافق‌نامه نیز گسترش می‌یابد. مخالفان استدلال می‌کنند که شکل فعلی توافق فاقد تعهد رژیم صهیونیستی به خروج کامل از مناطق اشغالی و جدول زمانی الزام‌آور در این زمینه است و اجرای توافق نیز تحت تأثیر تفاسیر مختلف قرار خواهد داشت. در مقابل، طرفداران توافق آن را چارچوبی عملی می‌دانند که زمینه‌های لازم را برای عقب‌نشینی رژیم صهیونیستی و احیای حاکمیت سرزمینی لبنان فراهم می‌کند. در این میان، برخی از احزاب نیز نگرشی واقع‌گرایانه به توافق دارند و معتقدند به‌رغم وجود برخی کاستی‌ها، توافق‌نامه مذکور بازتابی از توازن فعلی قدرت بین دو طرف است.

۱-۲. مخالفان توافقنامه

در میان مخالفان توافق، طیف متنوعی از افراد و گروه‌ها، احزاب و جناح‌های سیاسی و مذهبی دیده می‌شود. علاوه بر بیت شیعی (حزب‌الله و امل)، افراد و گروه‌های اهل سنت، مسیحیان و دروزی‌ها نیز موضعی انتقادی نسبت به این توافق داشته‌اند. انجمن علمای مسلمان لبنان[۱]، جبهه عمل اسلامی[۲]، انجمن علمای بیروت،[۳] حزب دموکرات و حزب کمونیست لبنان نیز مخالفت خود را با متن توافق اعلام کرده‌اند (الأخبار، ۲۹ مایو ۲۰۲۶). در ادامه مواضع و

---

۱. هیئة علماء المسلمین فی لبنان
۲. جبهة العمل الإسلامی
۳. هیئة علماء بیروت

استدلال‌های اصلی مخالفان توافق مورد بررسی قرار می‌گیرد:

- **حزب‌الله؛ پایبندی به بند اول تفاهم اسلام‌آباد و عدم شناسایی توافق واشنگتن**

شیخ نعیم قاسم، دبیرکل حزب‌الله، این توافق را «تحقیرآمیز و شرم‌آور» و «فاقد وجاهت قانونی» دانسته است. به اعتقاد وی، «منوط کردن عقب‌نشینی اسرائیل به خلع سلاح مقاومت در سراسر لبنان، پیشنهادی بسیار خطرناک است که از همه خطوط قرمز عبور می‌کند». شیخ نعیم تأکید دارد که حزب‌الله تمام ابزارهای لازم را به‌کار خواهد گرفت تا دشمن اسرائیلی به بند اول تفاهم‌نامه اسلام‌آباد پایبند شده و از لبنان عقب‌نشینی کند (الأخبار، ۲۹ مایو ۲۰۲۶). شیخ نعیم همچنین در بیانیه‌ای اعلام کرد که حزب‌الله به آتش‌بس پایبند است اما توافق چارچوب را به‌رسمیت نمی‌شناسد.

در سطح سیاسی حزب‌الله نیز مواضع تندی علیه این توافق اتخاذ شده است. محمود قماطی، معاون رئیس شورای سیاسی حزب‌الله اعلام کرد این توافق بدون آنکه نیازی به هرگونه بسیج خیابانی باشد، قابلیت اجرا نخواهد داشت. محمد رعد، رئیس فراکسیون وفاداری به مقاومت در پارلمان لبنان نیز ضمن رد مفاد توافق، آن را نماد تسلیم کامل مقامات لبنان در برابر منطق هژمونی آمریکا دانست. حسین حاج حسن، نماینده مجلس هم قاطعانه این توافق را رد و بند خلع سلاح موجود در این توافق‌نامه را غیرقابل اجرا دانست (الیاس، ۲۹ یونیو ۲۰۲۶).

- **نبیه بری و جنبش امل؛ عدم تصویب توافق در پارلمان**

نبیه بری، رئیس پارلمان، توافق مذکور را نوعی «دیکته» توصیف کرده و مفاد آن را «ده برابر بدتر از توافق ۱۷ مه ۱۹۸۳» دانست. در عین حال، وی بر لزوم اجتناب از کشاندن لبنان به هرگونه جنبش یا واکنش خیابانی و شکل-

گیری مارپیچ هرج‌ومرج و جنگ داخلی تأکید کرد (الیاس، ۲۹ یونیو ۲۰۲۶). وی خطرناک‌ترین جنبه این توافق را پتانسیل آن برای دامن زدن به اختلافات داخلی می‌داند. به اعتقاد بری، مسیر مذاکرات اسلام‌آباد تنها فرصت واقع‌بینانه برای وادار کردن رژیم صهیونیستی به خروج کامل از خاک لبنان است (الجزیره، ۱ یولیو ۲۰۲۶). بری معتقد است که هرگونه تلاش برای جداسازی لبنان از مسیر مذاکرات آمریکا و ایران صرفاً اشغالگری رژیم را طولانی‌تر خواهد کرد. نبیه بری همچنین ضمن اعلام مخالفت بسیاری از نمایندگان اعلام کرد اجازه تصویب توافق را در پارلمان نخواهد داد. در همین ارتباط، جنبش امل ضمن رد مذاکرات مستقیم با رژیم صهیونیستی اعلام کرده توافق مذکور، نامتوازن بوده و بیشتر بندهای آن در راستای منافع دشمن است (الأخبار، ۲۹ مایو ۲۰۲۶).

- **جریان ملی آزاد**

جبران باسیل، رئیس جریان ملی آزاد، توافق را دارای ایرادات شکلی و محتوایی می‌داند. به اعتقاد وی، توافق مذکور نباید نوعی پوشش قانونی برای ادامه حضور رژیم صهیونیستی در لبنان باشد. توافق مذکور تعهدات متعددی برای لبنان به‌همراه دارد و در عین حال، هیچ تعهدی برای رژیم صهیونیستی ندارد. به اعتقاد وی، در متن توافق هیچ تضمینی برای عقب‌نشینی رژیم وجود نداشته و مسئله آوارگان نیز نادیده گرفته شده است. علاوه بر این، مفاد توافق آتش‌بس در این توافق نادیده گرفته شده، ستونی بنیادین که به اعتقاد باسیل، هر راه‌حل پایداری باید بر اساس آن پایه‌گذاری شود. وی بر این مبنا، معتقد است این توافق تبعات مخربی برای امنیت و منافع لبنان خواهد داشت. از منظر باسیل، توافقی که از حمایت ملی برخوردار نباشد و بندهای آن باعث شکاف و تفرقه داخلی شود، خطرناک است. برای حل این چالش، وی گسترش دامنه گفتگوی ملی را پیشنهاد می‌کند (الأخبار، ۲۹ مایو ۲۰۲۶). در عین حال، باسیل

اعلام کرد از برخی مفاد توافق از جمله انحصار دولت بر کنترل سلاح و تصمیم به جنگ حمایت می‌کند (الجزیره، ۱ یولیو ۲۰۲۶).

➢ جامعه اهل سنت و جریان المستقبل

در جامعه اهل سنت لبنان با توجه به کناره‌گیری سعد حریری رهبر جریان المستقبل از حیات سیاسی، مواضع در میان چهره‌ها و نمایندگان متفاوت بود. نمایندگان فؤاد مخزومی و اشرف ریفی از این توافق حمایت کردند، در حالی که نمایندگانی چون اسامه سعد و حلیمه قعقور با این توافق مخالفت کردند. فؤاد سنیوره رهبر فراکسیون جریان المستقبل در پارلمان نیز اعلام کرد چارچوب توافق، گامی در مسیر لبنان عاری از سلاح غیردولتی است اما عدم شمولیت توافق چارچوب به موضوع عقب‌نشینی رژیم و آتش‌بس، غیرقابل قبول است. وی همچنین هیئت لبنانی را به تعهد نسبت به اصل مذاکره از طرف کشور خود دعوت کرد (لبنان۲۴، ۴ یولیو ۲۰۲۶).

➢ ولید جنبلاط و جامعه دروزی

جریان دروزی در دو سطح رهبری معنوی و سیاسی به این توافق واکنش نشان داده است. ولید جنبلاط، رهبر سابق حزب سوسیالیست مترقی، توافق را «در ظاهر سه‌جانبه» اما در اصل «یک‌جانبه» دانست که از سوی رژیم صهیونیستی به طرف لبنانی دیکته شده است. به اعتقاد وی، توافق مذکور مفاد توافق آتش‌بس ۱۹۸۳ را که بخش جدایی‌ناپذیر توافق طائف است، نادیده می‌گیرد (الیاس، ۲۹ یونیو ۲۰۲۶). از منظر جنبلاط، تمامی معاهدات بین‌المللی شامل یک بند خروج هستند، در حالی‌که توافق‌نامه چارچوب فاقد چنین بندی است. علاوه بر این، مرحله کنونی نیازمند موضع ملی واحد در مواجهه با تحولات جنوب است. به‌موازات این رویکرد، «شیخ سامی أبی المنی»، رهبر معنوی جامعه دروزی نیز بر ضرورت حفظ وحدت ملی و کنار گذاشتن منطق خیانت

یا برتری‌طلبی سیاسی و طایفه‌ای تأکید کرد (النهار، ۷ یولیو ۲۰۲۶).

۲-۲. موافقان توافق

در مقابل موج انتقادات وارده، احزابی چون قوات لبنانی و کتائب از توافق سه-جانبه واشینگتن به‌عنوان یک «پیروزی بزرگ و تاریخی برای لبنان» حمایت کرده‌اند. حامیان استدلال می‌کنند که هدف اصلی توافق، توقف جنگ و جلوگیری از رویارویی جدید است و مسائل معوقه باید در دورهای بعدی مذاکرات مورد بررسی قرار گیرند.

- **حکومت لبنان**

رئیس‌جمهور و نخست‌وزیر لبنان بر حق حاکمیت لبنان برای مذاکره تأکید داشته و هرگونه ارتباط بین تصمیمات لبنان و روند مذاکرات بین ایران و ایالات متحده را رد می‌کنند. حکومت مذاکرات را تنها راه توقف جنگ و خروج رژیم صهیونیستی از سرزمین‌های جنوب می‌داند. جوزف عون رهبری دفاع سیاسی از این توافق را بر عهده دارد. وی توافق را چارچوبی کلی و جایگزینی مناسب برای ادامه جنگ و ویرانی می‌داند. به اعتقاد بری، شرایطی که منجر به فروپاشی توافق ۱۷ مه ۱۹۸۳ شد، دیگر وجود ندارد (دهام، ۶ یولیو ۲۰۲۶). نواف سلام نیز معتقد است توافق مذکور با هدف خروج رژیم صهیونیستی و احیای حاکمیت لبنان امضا شده است. در این راستا، نواف سلام مبنایی قانونی و ملی به این توافق داده و بطور خاص بر انطباق این توافق با مفاد توافق طائف تأکید دارد (الجزیرة، ۲۶ یونیو ۲۰۲۶).

- **قوات لبنانی**

حزب «قوات لبنانی» به رهبری سمیر جعجع، به‌عنوان برجسته‌ترین حامی این توافق ظاهر شد و آن را «مهم‌ترین گام سیاسی اتخاذشده توسط دولت در نیم قرن گذشته برای رهایی لبنان از مخمصه تحمیلی توسط جنبش‌های

مقاومت در جنوب» توصیف کرد. بر این مبنا، وی خواستار غنیمت شمردن فرصت و حمایت همه‌جانبه از دولت و مقامات لبنانی برای خروج از تنگنای فعلی شده است. به اعتقاد وی، این توافق در صورت اجرا، زخم خونین تمام لبنانی‌ها را ترمیم خواهد کرد (مونت کارلو الدولیۀ، ۲۹ یولیو ۲۰۲۶).

- **حزب کتائب**

سامی جمیل، رهبر حزب کتائب، این توافق را نوعی «دستاورد» دانسته و اعلام می‌کند «لبنان در این توافق پیروز شده است». با این حال، معتقد است که «چالش واقعی در اجرای توافق نهفته است» و بدین جهت، خواستار اراده سیاسی محکم، پایبندی به دولت و مقاومت در برابر هرگونه ارعاب، باج‌گیری یا تلاش برای مانع‌تراشی در این روند شده است (الأخبار، ۲۹ مایو ۲۰۲۶).

۳. پیامدهای احتمالی برای حزب‌الله و چشم‌انداز پیش‌رو

به‌مانند توافق ۱۷ مه ۱۹۸۳، توافق چارچوب نیز به‌جهت مواضع متفاوت گروه‌های داخلی، خطر تشدید اختلافات بین جناح‌ها و طوایف سیاسی لبنان را به‌همراه دارد. اختلافات داخلی مرتبط با توافق با اختلافات دیگری چون موازنه سیاسی داخلی، نقش ایران در لبنان، نقش آینده لبنان در محیط منطقه‌ای و همراهی یا جداسازی لبنان از مسیر مذاکراتی آمریکا و ایران پیوند تنگاتنگ دارد.

توافق مذکور، مرکز ثقل درگیری‌ها را از مرزها و دشمن خارجی به داخل لبنان منتقل می‌کند. در توافقات قبلی، عمده تعهدات مربوط به خطوط استقرار، عقب‌نشینی و نظارت بین‌المللی بود. این در حالی است که در توافق جدید، تعهدات بر حوزه داخلی از جمله برچیدن ساختار گروه‌های مسلح غیردولتی، سازماندهی مجدد نهادهای امنیتی و تشدید نظارت بر منابع مالی متمرکز است.

این بدان معناست که آینده توافق در پیوند مستقیم با توانایی دولت لبنان در مدیریت و کنترل توازن داخلی تعریف شده است. این امر انگیزه‌های تقابل با حزب‌الله را در سطح دولت و سایر جریان‌های داخلی تقویت می‌کند. به‌علاوه، متن و فرامتن توافق سویه‌های روشنی دارد که ساختار موازنه قوای داخلی لبنان را در معرض بازآرایی و بازتنظیم قرار می‌دهد.

از مفاد توافق اینگونه استنباط می‌شود که نظام مسائل مرتبط با حزب‌الله از سطح منطقه‌ای و حتی بین‌المللی و چارچوب سنتی درگیری‌های اعراب و رژیم صهیونیستی به سطح داخلی و ساخت دولت لبنان انتقال یافته است. برای اولین‌بار در تاریخ توافقات (سازش) اعراب و رژیم صهیونیستی، توافق مذکور مقاومت و نه اشغال را به‌عنوان علت اصلی درگیری تعریف می‌کند. با ذکر این قید مهم، جوهره درگیری لبنان و رژیم به ساختار داخلی لبنان پیوند می‌خورد. خطرناک‌تر اینکه، این توافق بار ادامه اشغال را بر دوش حزب‌الله گذاشته و اصرار حزب‌الله بر حفظ سلاح‌هایش را دلیل ادامه اشغال خاک لبنان معرفی می‌کند.

بدین جهت، توافق را نمی‌توان جدا از تلاش‌ها برای بازآرایی حوزه‌های نفوذ منطقه‌ای در شامات و بازتعریف نقش دولت لبنان در نظم جدید منطقه‌ای دانست. احاله مسئولیت به ارتش لبنان در پرونده خلع سلاح از طریق زور، ساخت داخلی لبنان را وارد نوعی بازی حاصل جمع صفر خواهد کرد. موفقیت حکومت لبنان در پیشبرد این توافق بدون اجماع ملی به‌ویژه که در شرایطی که وزن سیاسی مخالفان توافق بیشتر است، می‌تواند اصل کلیدی توافق طائف یعنی اجماع طایفه‌ای را مخدوش سازد. عدم موفقیت حکومت در پیشبرد توافق نیز به‌منزلهٔ تداوم اشغال خاک لبنان با استناد به مفاد این توافق خواهد بود. این در حالی است که توافق ۱۹۸۳، علیرغم تمام جنجال‌های پیرامون آن، صریحاً خروج ارتش رژیم صهیونیستی از خاک لبنان را مورد تأکید قرار می‌داد (دهام، ۶ یولیو ۲۰۲۶).

با تشدید شکاف‌های داخلی، نقش آمریکا و رژیم صهیونیستی در روندهای سیاسی و امنیتی لبنان افزایش چشمگیری خواهد داشت. ایالات متحده صرفاً حامی این توافق نیست، بلکه به مرجع اصلی اجرای آن تبدیل می‌شود؛ این کشور در تأیید روند خلع سلاح نقش محوری خواهد داشت، گروه هماهنگی نظامی را رهبری می‌کند و بر سازوکارهای حمایت مالی و نظامی نظارت خواهد داشت.

موفقیت ارتش لبنان در «مناطق آزمایشی» نیز بر اساس معیارهای رژیم صهیونیستی ارزیابی خواهد شد. در عمل، این سازوکار می‌تواند به یک مرحله انتقالی بی‌پایان تبدیل شود و نوعی مجوز قانونی به رژیم صهیونیستی برای ادامه حضور نظامی بدهد. در چنین شرایطی، شکنندگی وضعیت دولت و امنیت در لبنان تشدید خواهد شد. در واقع، توافق به‌جای تقویت ثبات داخلی، باعث تعمیق اختلافات سیاسی و امنیتی می‌شود. از این جهت، توافق مذکور به گونه‌ای تنظیم شده که نفوذ ایالات متحده و رژیم صهیونیستی بر حاکمیت لبنان را تثبیت کند.

در مجموع می‌توان گفت آینده این توافق‌نامه صرفاً با متن یا سازوکارهای نظارتی آن تعیین نخواهد شد، بلکه در نسبت با توانایی آن در انطباق با واقعیت‌های سیاسی لبنان تعیین می‌شود. در صورتی‌که این توافق همچنان صرفاً تعهداتی را تحمیل کند که فراتر از ظرفیت اجرای نهادهای لبنانی باشد، به منبع دیگری برای تنش داخلی تبدیل شده و به بحرانی بی‌پایان دامن خواهد زد اما اگر با فرآیند سیاسی تدریجی همراه باشد که به نگرانی‌های طرف‌های مختلف داخلی و منطقه‌ای توجه داشته باشد، می‌تواند نقطه شروعی برای بازطراحی معادلات جدید و پایدار باشد.

نتیجه‌گیری

بحث کنونی در لبنان پیرامون توافق واشینگتن بسیار فراتر از اختلافات سیاسی و مذهبی بین طرفداران و مخالفان رفته و به‌نوعی آینده لبنان را در ابعاد داخلی و منطقه‌ای تعیین خواهد کرد. این موضوع به بخشی از شبکه تفاهمات منطقه‌ای و بین‌المللی تبدیل شده که در آن منافع آمریکا، ایران و اعراب با هم تلاقی پیدا می‌کنند. متن توافق، دولتی را فرض می‌کند که قادر به اجرای یکنواخت تصمیمات خود در سراسر خاک لبنان است در حالی‌که واقعیت سیاسی ناشی از وجود یک سیستم انجمنی مبتنی بر توازن‌های پیچیده فرقه‌ای و حزبی، اجرای چنین توافقی را دشوار می‌سازد. بنابراین، آزمون واقعی این توافق‌نامه نه در امضای آن، بلکه در توانایی آن در ایجاد موازنه جدیدی است که الزامات حاکمیت دولت، ثبات داخلی و تحولات سیال منطقه‌ای را به‌طور همزمان مدنظر قرار دهد.

منابع

۱. الأخبار. (۲۹ مایو ۲۰۲۶). غالبیة سیاسیة عابرة للطوائف تعارض اتفاق واشنطن. استعاده من الأخبار: https://www.al-akhbar.com/NewspaperArticles/lebanon/897386

۲. الجزیرة. (۲۶ یونیو ۲۰۲۶). ماذا نعرف عن الاتفاقیة الإطاریة بین لبنان وإسرائیل؟ استعاده من الجزیره: https://shorturl.at/ruQpG

۳. الجزیره. (۱ یولیو ۲۰۲۶). اصطفافات جدیدة وتحذیر من الفوضی.. اتفاق الإطار یعید رسم المشهد اللبنانی. استعاده من الجزیره: https://short-url.cc/1yqs3

۴. المرکز العربی للأبحاث ودراسة السیاسات. (۲۰۲۶). الاتفاق الإطاری اللبنانی - الإسرائیلی: قراءة فی دوافعه وتداعیاته علی لبنان. من: https://shorturl.at/5GR4r

۵. النهار. (۷ یولیو ۲۰۲۶). جنبلاط: اتفاق الإطار أحادیّ أملتهُ إسرائیل ولا یوقف النار. استعاده من النهار: https://www.annahar.com/lebanon/327452/
۶. الیاس، سعد. (۲۹ یونیو ۲۰۲۶). لبنان أمام اختبار خطیر بعد هبوب عاصفة سیاسیة حول «اتفاق واشنطن». استعاده من القدس العربی: https://shorturl.at/fNCQf
۷. جوهر، صهیب (۱ یولیو ۲۰۲۶). الاتفاق الإطاری بین لبنان وإسرائیل: إعادة هندسة الصراع أم تأسیس لتسویة جدیدة؟ استعاده من معهد السیاسة والمجتمع: https://shorturl.at/pR2Fn
۸. دهام، هتاف. (۶ یولیو ۲۰۲۶). "اتفاق الإطار" و"اتفاقیة الهدنة"... جدل المرجعیات والضمانات. استعاده من لبنان۲۴: https://www.lebanon24.com/news/lebanon/1546671/
۹. مونت کارلو للدولیة. (۲۹ یولیو ۲۰۲۶). لبنان: کیف انقسمت الأحزاب بین مؤید ومعارض لاتفاق الإطار مع إسرائیل؟ من: https://www.mc-doualiya.com/20260629-/
۱۰. لبنان۲۴. (۴ یولیو ۲۰۲۶). السنیورة: الاتفاق الإطاری خطوة نحو جعل لبنان خالیًا من السّلاح غیر الشرعی. استعاده من لبنان۲۴: https://www.lebanon24.com/news/lebanon/1546299

«پژوهشگاه مطالعات امنیت و پیشرفت» به منظور پاسخگویی به بخشی از نیازهای پژوهشی کشور در راستای تولید شناخت جامع از محیط امنیت ملی، پاسخگویی به نیازهای پژوهشی و مطالعاتی، انجام پژوهش‌های کاربردی و استقرار سیاست‌های پژوهش‌مبنا و تقویت فرآیند سیاستگذاری و حکمرانی کشور با رویکردی علمی و راهبردی تأسیس شد.

این مرکز در حال حاضر با شش پژوهشکده «مطالعات راهبردی»، «ابرار معاصر تهران»، «مطالعات حکمرانی فرهنگی و اجتماعی»، «علوم و فناوری‌های نوظهور»، «مطالعات بنیادین امنیت» و «آیندهٔ اقتصاد» در حوزه‌های سیاسی، امنیتی، فرهنگی، اجتماعی، اقتصادی، امنیت بین‌الملل و فناوری‌های نوظهور مشغول به فعالیت است.